

اصول محاکمات جزائی

۱ - در قانون اصول تشکیلات

راجع بنظم و ترتیب محاکمه در ماده ۸۹ ذکر شده اداره امور جلسه محاکمه بعهده رئیس محکمه است و بواسطه خاصیکه در اطاق محاکمه هستند باید قواعد نظم و ترتیب محاکمه را قویا رعایت نمایند و در ماده ۹۵ مقرر شده (هر گاه از طرف اشخاص خارج یا متداعیین توهین یا هتک شرف نسبت بر رئیس یا اعضاء محکمه بشود رئیس حق دارد صورت مجلسی در این باب مرتب نموده بامقر بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بفرستد)

۲ - ماده ۳۹۶ قانون اصول محاکمات جزائی مقرر داشته (هر گاه یکی از شهود بر خلاف واقع شهادت داد پس از ثبوت رئیس محکمه باستدعای مدعی العموم یا مدعی خصوصی یا متهم امر بتوقیف متهم مینماید و پس از آن در رئیس یا یکی از معاونین او استنطاقات اولیه را با آن شخص بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد بفرستد) و معین است که محکمه در ایفاء این وظیفه (استنطاق و تنظیم صورت مجلس) در این دو مورد قائم مقام و جانشین مستنطق و از ضابطین عدلیه شمرده میشود.

در حدود و اختیارات مدعی العموم و معاون او

در ماده ۱۹۹ قانون اصول محاکمات جزائی مدعی عمومی بدایت از آنجهت در جزء ضابطین عدلیه شمرده شده که در بعض موارد خود متصدی امر رسیدگی به مقدمات دعوی جزائی میشود ولی در ماده نام برده قید گردیده که مأموریت مخصوص و عمده او نظارت تام و تمام در کارهای سایر ضابطین عدلیه و تعقیب امور جزائی و اقامه دعوی بر مجرم پس از اكمال و اتمام تحقیقات میباشد و در مقاله های سابق گفتیم که این نظارت و

مراقبت بموجب ماده ۵۷ قانون تشکیلات جدید عدلیه اخیراً بمدعی عمومی استیناف نیز داده شده و البته مدعی عمومی بدایت که معاون او است دارای همان سمت و نظارت سابقه میباشد نهایت آنکه دایره نظارت و ریاست مدعی عمومی استیناف وسیعتر و شامل تمام حوزه استینافی است و لازمه این امر آنستکه تمام اخبار و اطلاعات را چه بجرمها که از طرف کلانتریهای شهر بانی و افسران امنیه و سایر ضابطین عدلیه نزد مدعی عمومی بدایت فرستاده میشود میباید پارکه استیناف از آن مستحضر و مطلع گردد تا نظارت نام برده امکان پذیر و قابل اجرا باشد و آیا برحسب این نظارت جدید مدعی عمومی استیناف مانند مدعی عمومی بدایت در صورت غیبت مستنطق میتواند در محل وقوع جرم حاضر شده وظیفه ضابطین عدلیه را در جرایم مشهوده ایفا نماید قطعا پاسخ این پرسش منفی است چه اولایایفاء این وظیفه لازمه نظارت تفویض شده نیست ثانیاً تجویز آن در مورد مدعی عمومی بدایت نیز از باب ضرورت و ناچارگی است بتوضیح و تقریب اینکه چون سمت مدعیان عمومی در دعاوی جزائی و اقامه دعوی بر مجرم از حیث جنبه عمومی همان سمت مدعی خصوصی و حقیقی است و او طرف دعوی و متخاصم با متهم شناخته میشود که از طرف قوه مجریه برای اجراء این امر منصوب شده و بنا بر این مقتضی است در امری که خارج از وظیفه او است از قبیل رسیدگی بمقدمات دعوی و متفرعات آن و اعمالیکه از وظایف قاضی و از مختصات حاکم است دخالت ننماید تا قاعده تفکیک وجدانی بین وظایف قوه قضائیه و مجریه محفوظ و مصون باشد ولی چون در دعاوی جزائی ممکن است بواسطه غیبت مستنطق و

سایر ضابطین عدلیه اموری که مدخلیت تامه در اثبات دعوی و جرم دارد تفویض شود و آثار و الاثم دالیه بر آن محو گردد از این جهت برخلاف قاعده فوق و از بابت ضرورت اجازه داده شده است که مدعی عمومی بدایت در موارد فوتی و فوری و در زمان غیبت ضابطین عدلیه دخالت در امور مینه نماید چنانکه همین معنی مصرحاً در ماده ۳۳ قانون نامه رده ذکر شده (مدعیان عمومی) محاکم ابتدائی و معاونین آنان خودشان متصدی تحقیقات مقدماتی نمی-شوند مگر در مورد مذکور در ماده ۴۰ ولی تعلیمات لازم را در این باب مستنطقین داده بتحقیقات ایشان نظارت مینمایند) و با اینحال میباید دخالت و تصدی در رسیدگی بمقدمات دعوی را بمدعیان عمومی بدایت که منصوص در قانون است اختصاص داد

موردی را که در ماده فوق استثناء شده و مدعیان عمومی میگردانند متصدی تحقیقات شدند در ماده ۴۰ سابقاً قبل از اصلاح و تعدیل آن ماده بجرائم مشهوده آنهم در صورتیکه جرم در درجه جایت بود اختصاص داشت و علت آن همان اهمیت جنایات مشهوده در امر تعقیب و رسیدگی بود و اگر جرم مشهود نبود یا مشهود بود ولی جنبه محسوب میشد مدعیان عمومی مجاز در رسیدگی نبودند ولی پس از اصلاحیکه در این ماده بعمل آمده چنین تصحیح شده در امور جنبه بطور کلی و در جنایات اگر مشهود باشد مدعی عمومی میگردانند شخصاً یا بوسیله وکیل عمومی یا معاون اداری خود تحقیقات لازمه را از قبیل تحقیق از متهم و استعلام از مطلعین و شهود و بدست آوردن آلات و ادوات جرم و معاينه محل و غیره بعمل آورده اقدامات مزبور در این موارد موافق ترتیبی خواهد بود که برای تحقیقات مقدماتی در فصل پنجم باب اول (قرارات) و چنانکه دیده میشود در جنبه خواه مشهوده یا غیر مشهوده و در جنایات اگر مشهوده باشد اجازه داده شده که مدعی عمومی بدایت و معاون او تحقیقات و رسیدگی نماید و معلوم نیست بجهت سبب اهمیت جنایات غیر مشهوده در نظر مقنن از جنبه غیر مشهوده کمتر بوده که در دومی مدعیان عمومی را مجاز در امر تصدی و تحقیقات

دانسته ولی در جنایات غیر مشهوده تجویز نموده که مدعیان عمومی متصدی امر تحقیق و رسیدگی آن شوند نیز موضوع غیبت مستنطق که قبل از اصلاح در ماده ۴۰ اشتهار شده بود در ماده اصلاحی حذف شده و از قلم افتاده و آیا مراد از تغییر و عدم قید آن این بوده که بحضور مستنطق مدعی عمومی میتواند شروع بتحقیقات نماید شبهه و تردیدی نیست که مقنن چنین نظری نداشته و باید آنرا حمل بر تسامح نمود و در هر حال اصلاحیکه در ماده ۴۰ قانون اصول محاکمات جزائی شده بنظر خالی از مناقشه نیست .

بنابر مراتب فوق مدعی عمومی بدایت و معاون او خواه در جنایات مشهوده چنانکه ماده سابقه دلالت داشت یا در امور جنبه بطور کلی و در جنایات مشهوده چنانکه ماده اصلاحی دلالت دارد همینکه مجاز در رسیدگی بمقدمات دعوی جزائی گردید مانند مستنطق میباید تمام آثار و تلامات و مقتضیات جرم را در نظر گرفته و هر گاه تشخیص آنرا در کسب نظراهل خبره و کسانیکه معلومات مخصوصه دارند لازم دید پس از دعوت آنان موافق ترتیبات مقرر در فصل پنجم راجع بوظایف مستنطق اقدام نموده و آنچه را که بعد از تحقیق از متهم و شهود و مطلعین کشف کرده در صورت مجلس قید نماید و بدون اظهار عقیده نرد مستنطق برای اكمال امر بفرستد تا او اظهار نظر و عقیده کند و مدعی عمومی دیگر نمیتواند دخالت و اقداماتی نماید بلکه مجدداً بوظیفه اولیه خود که نظارت در امر جزائی است عودت خواهد نمود

بالجمله از جهت همین نظارت در اعمال ضابطین عدلیه و مکلف بودن مدعیان عمومی بتعقیب امور جزائی است که علاوه بر کالاترریهای شهربانی و افسران امنیه که بواسطه ماورین جزع و افراد تابعه احاطه بیشتری بوقایع و حوادث جاریه راجحه بجرمها دارند و مکلفند قانوناً اخبار نام برده را در اسرع اوقات بمدعیان عمومی اطلاع دهند ماده ۳۴ قانون اصول محاکمات جزائی ماورین دولت را عموماً در هر رتبه و مقامیکه باشند (هر چند

عدلیه) از وقوع جرمی بمقامات لازمه بدهند و شخصی را متهم بجرمی نمایند ولی پس از تعقیب و مجازات او معلوم و اعلام گردد متهم میتواند بر خیزد و دهنده اقامه دعوی ضرر و زیان نماید و تنها ضابطین عدلیه از آن جهت که قانوناً مأمور به بازرسی و تفتیش جرائم و مجبور بتعقیب متهمین برای کشف و وقوع جرم هستند از این حکم کلی مستثنی میبایند.

(ماده ۴۰۵ متهم در صورتیکه بر ائمت اواز تقصیر ثابت شود میتواند از اشخاصی که باو تمت زده اند در محکمه ادعای خسارت نماید و گسائیکه قانوناً حقیقتش در جنایات را دارند مانند مدعی عمومی و اداره نظمی و ز ندارم از این قاعده مستثنی و ادعای خسارت بر آنان جایز نیست ولی شکایت از آنان بر رؤساء مستقیم آنان جایز است)

و هر چند دعوی ضرر و زیان بر ضابطین عدلیه ممنوع است ولی چنانکه ذیل ماده بالا اشعار دارد در مقاله های سابق از قانون متمم قانون مجازات عمومی نقل شد هر گاه مأمورین کشف جرائم بنا بر نظریات خصوصی و اغراض شخصی بقتضای رای مجرم یا مجرمی را بقتصیر قلمداد کنند یا برای مستور نمودن و اطفای جرم مواضعه نموده یا کفیات مخالف حقیقتی را قائل شوند زود سال الی ده سال بحبس مجید محکوم خواهند شد و اینک در ایند نام ۲ ماده از قانون نام برده مصوب تیر ۳۱۰ را که در باره مدعیان عمومی و پاکها وضع گردیده است (ماده ۲۸۲ هر یک از رؤساء و اعضاء پارک ما رای مجرم نمودن جرم مواضعه کرده و یا بنحوی از انحاء وسیله فرا جرم از مجازات قانونی فراهم نمایند یا بنا بر نظریات شخصی بر خلاف قانون باقرار منع تعقیبی که بناء بر نظریات خصوصی در باره متهمی صادر شده است بحبس اعمال شایه از سه الی ۱۵ سال محکوم خواهند شد)

ماده ۲۸۴ هر یک از مأمورین مذکور در ماده فوق و همچنین هر یک از مستخدمین دیگر دولت که مأمور کشف جرائم هستند در صورتیکه بنا بر نظریات خصوصی

از ضابطین عدلیه شماره نشوند) نیز مکلف کرده در صورتی که در حین انجام وظیفه یا خارج از آن مطلع از وقوع جرمی شوند مراتب را بمدعیان عمومی اطلاع دهند و همین است گزارش آنان اگر در حین انجام مأموریت باشد رسمی خواهد بود و در غیر آنحال اخبار عادی تلقی میشود و بمنزله اطلاعاتی است که اشخاص با افراد مردم (غیر مأمورین دولتی) بمدعیان عمومی میدهند ماده ۳۴ مقامات و اشخاص رسمی در مواردیکه باید امور جزائی را تعقیب نمود مراتب را بمدعی العموم اطلاع می دهند)

و آیا دادن این اخبار ملزمی مأمورین رسمی (غیر ضابطین عدلیه) میباشد ظاهر عبارت ماده فوق و سیاق آن افاده این معنی را مینماید و بعضی از شراح عامه مردم را مکلف باین تکلیف دانسته اند ولی با وجود الزامی دانستن آن تصریح کرده اند که هر گاه غیر ضابطین عدلیه از اداء این وظیفه خودداری نمایند مشمولیتی متوجه آنان نیست مگر آنکه در قانون مخصوص مسئولیت ترک اطلاع منصوص بوده یا جهت کتمان و پنهان نمودن خبر امر ممنوعی از قبیل رشوه و ارتشاء باشد که در این حال بمجازات قانونی و مرتشی محکوم خواهند گردید

و شرط است که تمام خصوصیات و مشخصات جرم از حیث زمان و مکان و ادله و امارات و قرائن داله بر ثبوت وقوع آن و اسم مرتکب و شهود قضیه و هر چه را که برای تسهیل تحقیق و راهنمایی کشف جرم لازم است در اخبار نام برده ذکر شود و مدعی باضاء خبر دهنده باشد و هر گاه دسترسی بمدعیان عمومی نیابند میتوانند همین اخبار را بسایر ضابطین عدلیه بدهند .

نیز لازم است نهایت مراقبت و احتیاط در صحت خبر بعمل آید یعنی اطلاع مزبور باید مستند بحس و مشاهده بوده و در غیر آنحال و سماعی بودن اخبار داله کافی بر وقوع جرم و انتساب آن بمتهم در دست باشد چه بموجب ماده ۴۰۵ قانون اصول محاکمات جزائی هر گاه اخباری افراد عادی یا مأمورین رسمی (غیر ضابطین

دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جنبه و جنایت در حوزه او کشف شده باشد

(۳) وقتی که متهم یا مظنون بارتکاب جنبه یا جنایت در حوزه او مقیم است ولو اینکه وقوع جرم در حوزه مستنطق دیگری بعمل آمده باشد) لهذا از مندرجات این دو ماده چنین نتیجه گرفته میشود که هم مدعی عمومی محل وقوع جرم و همچنین مدعی عمومی محلی که مقصر در آنجا دستگیر یا کشف جرم شده و مدعی محلی که مظنون در آنجا مقیم است نظارت در تحقیقات جرم دارند و علت اینکه مقنن مستنطقین و مدعیان عمومی محلی ثلاثه را مکلف بر رسیدگی و نظارت در تحقیقات نمود، بواسطه اهمیتی است که در باب رسیدگی بجرم و تعقیب مجرم در نظر داشته تا هیچ یک از افعال ممنوعه و مجرمه در قانون بیهجازات و عقاب نماند.

و چون ممکن است در بدو رسیدگی بمقدمات دعوی یا اختتام آن بین مدعیان عمومی و مستنطق در امر توقیف متهم و رفع توقیف او و ابداع صلاحیت محاکم اختلاف نظر تولید شود ماده ۳۸ قانون اصول محاکمات جزائی برای تعیین تکلیف این امر پیش بینی و وضع گردیده و مرجع رسیدگی باختلافات فوق در آن ماده سابقاً محکمه استیناف معین شده بود ولی بعداً ماده نام برده اصلاح گردیده و فقط در موردیکه اختلاف بین مستنطق و مدعی عمومی راجع بصلاحیت مستنطق عدلیه و مستنطق محاکمات نظامی باشد ماده اصلاحی حل اختلاف را بمحکمه استیناف تخصیص داده.

اما در صورتیکه اختلاف بین مستنطق و مدعی عمومی راجع بجرم باشد نظر مدعی عمومی را در تعیین مرجع ترجیح و مقرر داشته که پرونده کار بمحکمه که مدعی عمومی آنرا صالح میدانند رجوع خواهد شد و در سایر موارد (اختلاف در توقیف و رفع توقیف متهم - اختلاف در صلاحیت محلی مستنطق) مرجع حل اختلاف را برای تسهیل رسیدگی دادگاه بدایت قرار داده است

محمد صادق بروجردی

و اغراض شخصی برخلاف قانون شخص بی تقصیری را مجرم قلمداد کرده و یا بمنوان مجرم حکم مجازات در باره او صادر کنند یا برای مجرمی بیش از آنچه قانوناً مقرر است تعیین مجازات نمایند بر حسب مورد بیکی از مجازات های مقرر در مواد فوقی محکوم خواهند شد)

و باید دانست که مدعیان عمومی حق دارند در تحقیقات مقدماتی مستنطق حضور بهم رسانیده ترтіبات رسیدگی را مشاهده کرده نظارت خود را اجرا نمایند بدون آنکه بتوانند تحقیقات و رسیدگی را توقیف کنند ولی میتوانند تقاضاهای لازمی قبیل پرسش های لازمه از متهم و احضار اشخاص مطاع و تحقیقات از آنان و رجوع امر تشخیص جرم بخیره) از مستنطق نمایند و بموجب ماده ۳۷ حتی المقدور مستنطق تقاضاهای قانونی مدعی عمومی را اجرا میکند و هر گاه اجرا آن مشکل باشد مدعی العموم رجوع کرده حل اشکال خود را میخواهد و پس از اتمام امر استنطق نیز در صورتیکه بنظر مدعی عمومی تحقیقات کامل نباشد در تقاضا نامه خود میتواند تکمیل آنرا بخواند ولی بموجب ماده ۱۶۸ در صورتی میتواند چنین تقاضایی بنماید که نقصان استنطاق از جهت یا جهات مهمه باشد لهذا اگر مدعی العموم بواسطه نواقص غیر مهمه تکمیل تحقیقات را خواسته و عملی را معلق بدارد قانوناً مسئول خواهد بود.

نیز باید دانست که نظارت در رسیدگی صابطن عدلیه منحصر ب مدعی عمومی که جرم در حوزه ماموریت او واقع شده نیست بلکه بر حسب ماده ۵۹ نظارت در تحقیقات بعهده مدعی عمومی محکمه ابتدائی است که در حوزه ماموریت او تحقیقات بعمل می آید ولو اینکه تحقیقات راجع بامری باشد که در خارج از قلمرو او اتفاق افتاده باشد و چون بموجب ماده ۵۴ در سه مورد مستنطق مکلف است شروع ب تحقیقات نماید.

(۱) در صورت وقوع جنبه در حوزه ماموریت او

(۲) در صورتیکه جنبه یا جنایت در حوزه مستنطق